

# توطئه خلع سلاح

چریکهای فدائی خلق ایران

بهار ۱۳۵۹

## هدف واقعی شعار "خلع سلاح" چیزی جز قانونی کردن جنایات رژیم نیست!

پس از کشتار فجیع سران خلق ترکمن بدست جلادان رژیم کنونی و واکنش شدید توده های مردم نسبت به آن، تمام عوامل رژیم، از جمله آقای بنی صدر، کوشیدند تا به نحوی سنگینی دردناک این حادثه را در ذهن توده ها بکاهند و با دروغ پردازی و دیگر حيله های ضد مردمی، مسئولیت آن را از دوش خود بردارند تا بتوانند خود را در مقابل خشم عظیم توده ها مصون نگهدارند. ولی آنها در این امر موفق نبودند تا اینکه اپورتونیستهایی که در مناظره تلویزیونی شرکت داده شده بودند بکمک آنها شتافتند و بار این جنایت را از دوش حاکمیت گرفته و به گردن فرد یا افراد نابابی در حکومت انداختند که به سفارش اپورتونیستها، حکومت خود میبایست آنها را گرفته و بسزای اعمالشان برساند. البته صرف نظر از کسانی که تنها وظیفه خود را توجیه اعمال و کردار سازمان به اصطلاح فدائیان خلق قرار داده اند، توده های ناآگاه از مناظره تلویزیونی خوشحال شدند. چه آنها بهر حال دیدند که حکومت نتوانسته است توطئه انتساب این جنایات به نیروهای انقلابی را پیش ببرد. ولی این فقط یک خوشحالی بی اساس بود، نه چیزی بیشتر و هرگز نمی توان از آن استنباط تأثیر پذیری مثبت، چیزی که در پیش روی مبارزه طبقاتی نقش بازی می نماید، کرد. جنایت حکومت در کشتار ۴ تن از رهبران خلق ترکمن خلاصه نمی شود، پس از آن، ۱۸ تن دیگر را بهمان وضع دردناک شهید ساختند، علاوه بر آن، اصل جنایت آن جاست که خلق دلیر ترکمن مورد یورش توپ و تانک ارتش جمهوری اسلامی واقع شده و مردم زحمتکش را وحشیانه، دسته دسته کشتند و خانه های مسکونی آنان را با توپ های ۱۳۰ میلیتری به ویرانه تبدیل کردند. همه اینها خشمی عظیم را در توده های خلق ما نسبت به حکومت برانگیخته بود، ولی درست در شرایطی که می بایست انرژی حاصل از خشم توده ها را در جهت نابودی حاکمیت امپریالیستی کانالیزه نمود و به توده ها آموخت که باید در مقابل قهر ضد انقلابی به قهر انقلابی توسل جویند و گلوله را با گلوله پاسخ دهند، اپورتونیستها در مناظره تلویزیونی که رئیس جمهور جهت آزادیخواه جلوه دادن خود و حکومتش ترتیب داده بود، شرکت جستند و پس از آن زمینه ای چیده شد که مرتجعین با شدت هر چه تمامتر به تبلیغ لزوم خلع سلاح گروهها! بپردازند. مناظره تلویزیونی پرده ای روی خشم توده ها کشید و اپورتونیستها نشان دادند که حکومت با وجود ارتکاب به اعمال فجیعی که "یادآور جنایت سینما رکس آبادان و کشتار شهداء بیژن جزنی و ۸ رزمنده دیگر است"، آزادیخواه!! میباید (چرا که به مدت ۴/۵ ساعت با بزرگترین سازمان "چپ" مناظره ترتیب داده است).

ولی مسائلی که در این مناظره مطرح شد و اثرات سوئی که می تواند در روند جنبش خلق باقی گذارد، از هدف مناظره فراتر رفت. یکی از مهمترین مسائل مطروحه خلع سلاح بود و همه شاهد بودند که چگونه نمایندگان "فدائیان خلق" در مقابل سئوالهای مکرر "بنی صدر" به جای دفاع از حقانیت این مهمترین مسئله جنبش خلق ما و به جای تأکید قاطعانه به لزوم مسلح بودن توده ها، از پاسخ صریح طفره رفتند، گوئی فراموش کرده بودند، در شرایطی که خلق ترکمن مورد یورش مسلحانه عمال امپریالیسم واقع شده اند، آنها با ادعای نمایندگی این خلق در مناظره شرکت کرده اند، آنها از تشکل و شوراها صحبت کردند و در عین حال به حاکمین اطمینان دادند که تمام امکانات خود را برای خواباندن جنبش مسلحانه توده ها به کار میبرند، بدون اینکه بر روی خود بیاورند که حکومت در همان موقع مشغول نابودی تشکل های صرف و شوراهای خلع سلاح شده دهقانان می باشد و های وهوی آنها هم هرگز نمی تواند مانع از حملات کینه توزانه و خانمان برانداز تیمسار فلاحی ها به خلق زحمتکش ما شود.

اما از آقای بنی صدر که باشناخت از موضع غیرانقلابی و زبونی ایدئولوژیک آنها میپرسد که "اگر من فردا از این مردم رأی بگیرم و آنها بگویند که لازم نیست شما مسلح باشید، آیا شما سلاحهایتان را تحویل می دهید؟" باید سؤال کرد: مگر شما نبودید که در پادگان سنندج گفتید اگر لازم باشد تا آخرین نفر را به گلوله ببندید؟ آیا شما و حکومتتان نبود که در کردستان کشتار براه انداخت؟ آیا شما نبودید که حتی از جان یک کودک ۱۲ ساله نیز نگذشتید؟ آیا شما نبودید که خلق عرب را آن چنان وحشیانه سرکوب کردید و صدها نفر را به قتل رساندید؟ آیا شما نبودید که تحصن کارگران مبارز اصفهان را بزور اسلحه درهم شکستید و نماینده آنها را به قتل رساندید؟ آیا شماها نبودید که دوش به دوش زمینداران بزرگ و مرتج ترین عناصر محلی "خانه به خانه" با خلق ترکمن جنگیدید؟ آیا شماها نبودید که صدها جنایت دیگر را روا داشتید؟ و آیا آقای رئیس جمهور برای این همه جنایت شما از مردم اجازه گرفتید؟ آیا برای این همه جنایت به آرای مردم رجوع کردید؟ پس چه شد که این بار می خواهید برای خلع سلاح گروه ها به مردم رجوع کنید و از آنها نظر بخواهید؟

چرا آقای بنی صدر و بطور کلی حاکمیت کنونی اینهمه از مسلح بودن خلقها، حتی در ابعاد نسبتاً محدود کنونی، ترس دارند؟ مگر ادعا نمی کنند ۹۹٪ مردم در جانب آنها قرار دارند و این ۹۹٪ با آن ۱٪ کذائی آشکارا مخالف بوده و آنها را نمی پذیرند؟ پس این همه ترس عظیم از کجا نشأت می گیرد؟ حقیقت آن است که هیأت حاکمه خود بیش از هر کس دیگری به کنه دروغ پردازیهای خویش آگاه است. بنی صدر رسیدن طوفان انقلاب مردم را احساس می کند؛ او میداند، توده ها را نمی توان برای همیشه فریب داد؛ او می بیند که چگونه نیروهائی که دیروز در جانب آنها بودند، بسرعت از آنها دور شده و در مقابل آنها می ایستند؛ او می بیند که چگونه جنبش توده ای و اعتراض توده ای روز بروز اوج می گیرد؛ بنابراین می خواهد عملاً این جنبش را فلج کرده و بدین ترتیب خطر امحای کامل حاکمیت

کنونی را کاهش دهد. بهمین جهت آقای بنی صدر ضمن آنکه هرچه بیشتر ارتش خود را سازمان میدهد و آن را از عناصر انقلابی پاک میکند، می کوشد تا خلق را نیز خلع سلاح کرده و بدین ترتیب جنبش خلقی و پتانسیل های بالقوه آن را ضعیف سازد. این حکومت "مردمی"! که ظاهراً ۹۹٪ را در اختیار دارد، می خواهد با این چماق کذائی خلق های مبارز ایران و نیروهای پیشرو را خلع سلاح کند تا ارتش ضد خلقی را که از سر تا پا ارتشی امپریالیستی است، آسوده خاطر سازد.

تجربه مبارزه طبقاتی در سراسر تاریخ و مبارزه رهایی بخش ضد امپریالیستی عصر ما، نشان میدهند که در مقابل قهر ضد انقلابی، تنها قهر انقلابی کارساز است و زحمتکشان، و بطور کلی طبقات مظلوم، تنها با اعمال قهرمادی می توانند زمینه آزادیها را بسط داده و از آزادیهای بدست آمده حراست کنند، بهمین لحاظ همواره طبقات ضد مردمی حاکم، از مسلح بودن خلق، از مسلح بودن زحمتکشان ترس و واهمه دارند و می کوشند تا دستگاه "زور" منحصر بفردی بوجود آورند که در تابعیت کامل آنها بوده و فقط و فقط در راه منافع ضد مردمی آنها کار کند. حاکمیت کنونی ایران نیز همین راه را می پیماید و از همین قانون پیروی میکند.

ولی توده های ما چنان تجربه های تلخی در این مورد دارند که هرگز اجازه نمیدهند، حکومت در اهداف خود موفق گردد. مردم ما فراموش نکرده اند که چگونه حزب توده در شرایط سالهای قبل از ۲۸ مرداد ۳۲، مبارزه را در برپا داشتن میتینگ و غیره خلاصه کرده و مردم را سرگرم نمود و هرگز از لزوم مسلح شدن مردم سخنی به میان نیاورد و خود به این کار اقدام نکرد؛ مردم ما خوب میدانند، نتیجه این عمل خیانت آمیز حزب توده به آنجا رسید که هنگامیکه کودتاجیان رژیم شاه به قتل و کشتار مردم پرداختند، مردم بی سلاح، بی دفاع ماندند و رژیم شاه توانست پایه های حکومت ننگین خود را با سرکوب خشن توده ها محکم نماید.

درست بر اساس این تجربه خونین توده ها و جهت فریب مردم است که حکام وقت از تشکیل چنین ارتش بیست میلیونی دم میزنند، در حالیکه تشکیل چنین ارتشی حتی با کیفیت طبقاتی مورد نظر حاکمان، حتی با کنترل این ارتش توسط حاکمین کنونی، از طرف آنها امری تحقق ناپذیر است. ولی اپورتونیستها، بخصوص غاصبین نام "سازمان چریکهای فدائی خلق ایران" بدلیل موضع سازشکارانه و تسلیم طلبانه خود قادر به درک آن نیستند. آنها با چشمانی حیرت زده و قیافه ای ابلهانه با ساده لوحی می گویند "خیلی خوب است" و از حاکمین می خواهند هرچه سریعتر چنین ارتشی را بسازند.

این باور کودکانه "غاصبین" را باید با سخنان مسئول آموزش نظامی "کانون پرورش فکری مسلح کودکان و نوجوانان" مقایسه کرد تا به عمق فریبکاری هردوی آنها پی برد. مسئول آموزش نظامی "کانون" در پاسخ به علت وجودی دوره های آموزش نظامی گفت: "از آن جا که مردم باین امور حساسند و آمادگی پذیرش آن را دارند، ما برای جلوگیری از اینکه آنها بسوی نیروهای چپ روان شوند، گفتیم خود این نیاز آنها را ارضاء کنیم".

به این ترتیب می بینیم رژیم به هیچ وجه نمی خواهد مردم را مسلح کند، بلکه قصد سرگرم کردن آنها را دارد. فریب و خیانت به اعتماد توده ها شگردهای است که هیئت حاکمه کنونی ایران تاکنون از آن به فراوانی سود جسته است. آیا آنها میخواهند بیست میلیون نفر را مسلح کنند؟ ما می گوئیم هرگز نه! آنها حتی جرأت آنرا ندارند که سلاح را در دست گروههای پیشرو تحمل کنند، تاچه رسد به اینکه سلاحها در دست توده های خلق هم قرار بگیرد. این فقط حيله ايست براي آن که شعار خلع سلاح زیر پوشش فریبنده تری مطرح شود.

این را دیگر همه مردم میدانند که قیام ۲۱ بهمن مردم ما، نه به دستور رهبران کنونی جامعه، بلکه به ابتکار و پیش قدمی خود توده ها صورت پذیرفت. مردم ما در جریان مبارزه خود، این نکته را بدرستی فهمیدند، ارتش برادر ما نیست، بلکه دشمن ماست و علیرغم پند و اندرزهای گوناگون، به پادگانها ریختند. آنها ضرورت مسلح شدن و دفاع از خود مسلحانه و تعرض مسلحانه را در مقابل امپریالیسم و رژیم مزدور شاه و دیگر عمال امپریالیسم نظیر شاهپور بختیار را حس کرده و براساس این گزینه درست خود عمل نمودند. پس از قیام از همان ابتدا، تمام کوشش هیئت حاکمه کنونی بر آن بود تا به نحوی از انحاء این سلاح ها را از دست مردم بیرون بکشد، ولی با تمام کوششهای خود شکست خورد؛ فتوای آنها اثری نبخشید: شبه حکومت نظامی آنها اثری نبخشید؛ قانون مجازات اعدام برای صاحبان اسلحه اثری نبخشید و اکنون که آقای بنی صدر رسیدن طوفان خیزش توده ها را احساس میکند و میدانند که با چه مشکلاتی روبرو هستند و ظاهراً می فهمد که غلبه بر این مشکلات کار ایشان و اعوان و انصارشان نیست، می خواهد به حيله های دیگری این سلاح را از چنگ مردم بزددد، او با طرح خلع سلاح گروهها کوشش می کند تا ذهن توده ها را از مسیر اصلی خارج کند و با فریب و توسل به تمام وسائل ارتباط جمعی و ارگانها و گروههای فشار به "خلع سلاح مردم" جامه عمل بپوشاند، آقای بنی صدر چنین وانمود می کند که گویا این گروههای مسلح هستند که جنگ افروزی میکنند!! که گویا اسلحه ای که در دست مردم است، توسط این گروهها پخش شده است و بدین ترتیب میخواهد مسئولیت تمام این جنگها را برگردن این گروهها بیاندازد و آنگاه با استفاده از این حيله و در این حجاب، به خلع سلاح مردم بپردازد. آقای بنی صدر شاید ندانند که دهقانان کردستان برای خرید یک اسلحه حاضر بودند تا تمام هستی خود را نثار کنند، اما آقای بنی صدر این را حتماً میدانند که خلق ترکمن بخش قابل ملاحظه ای از دسترنج خود را صرف خرید اسلحه میکردند و میکنند. این واقعیات چه چیز را اثبات می کنند؟ این واقعیات نشان میدهند که خلقها و دیگر مردمی که صاحب اسلحه هستند، به دولت کنونی اعتماد و اعتقاد ندارند و خوب فهمیده اند که تنها به قدرت اسلحه می توانند از تجاوز مرتجعین به حقوق خویش دفاع نمایند؛ خلقهای ما دیده اند که دولت کنونی در مقابل کوچکترین خواسته های آنها مقاومت میکند و از بازپس دادن آنها خودداری میورزد؛ خلقهای ما در تجربه زندگی روزمره خود شیوه های حاکمیت کنونی را با دولت محمدرضا شاهی مقایسه میکنند و در

بسیاری از موارد به تشابه کامل آن میرسند ... و در نتیجه این همه تجربه آنها نمی توانند به دولت کنونی اعتماد کنند و هر روز که بیشتر میگذرد، شکاف بین مردم و هیئت حاکمه کنونی نیز بیشتر میشود. در شرایط امروز، گروهها و سازمانهای سیاسی فقط تا این حد مؤثر بوده اند که برخی حقایق را برای مردم بازگو و افشاء میکردند، درحالیکه در بسیاری موارد و حتی با جرأت می توان گفت در اکثر موارد خود مردم و جنبش آنها بود که بر گروهها سبقت و برتری داشتند.

هدف واقعی شعار خلع سلاح چیزی جز قانونی کردن جنایت نیست. آقای بنی صدر می گوشت مسئله را به صورت "خلع سلاح گروههای سیاسی" طرح کند و بدین ترتیب می خواهد ظاهر فریبنده ای به آن ببخشد. در پس این شعار، خلع سلاح فوری خلقهای رزمنده کرد و ترکمن و دیگر خلقهای ایران از جمله خلق عرب نهفته است. اینان می خواهند با فریب بخشی از مردم آنها را در مقابل بخش دیگر قرار دهند و از نتیجه این نزاع خود بهره مند گردند و قدرت متزلزل خود را با ایجاد شکاف در صفوف مردم حفظ نمایند. چرا خلق کرد تسلیم این شعار شود؟ چرا باید او این سلاح را به دولتی پس دهد که در تمام طول حیات کوتاه مدت خود، در مقابل کمترین خواسته ها و ابتدائی ترین حقوق برسمیت شناخته شده خلقها و زحمتکشانش، با منطق زور و چماق مقاومت کرده است. خلق کرد با پشتوانه همین سلاحها توانست چهره واقعی حاکمیت کنونی را افشاء کند و چهره واقعی و ضد خلقی آنها را نشان داد.

شعار "خلع سلاح" به این بهانه که خواست "مردم" است، این امکان را به رژیم میدهد که هرگونه جنایتی را نسبت به خلقهای قهرمان، با این بهانه که "مردم" خواسته اند، توجیه نماید. تحت شعار "خلع سلاح" حکومت می تواند در زیر این نقاب بهر جنایتی دست بزند. این است نیت واقعی خلع سلاح کنندگان.

چریکهای فدائی خلق ایران همواره فریاد زده اند: "مرگ بر خلع سلاح کنندگان" ... ما همواره گفته ایم ارتش ضد خلقی و امپریالیستی تنها با ارتش خلق شکست پذیر است ... ما اعتقاد داریم مبارزه ضد امپریالیستی خلق ما همچنان ادامه دارد، نهادهای امپریالیستی پا برجا مانده اند و بسط دامنه انقلاب و پیروزی نهائی بر امپریالیسم تنها توسط یک ارتش واقعاً خلقی میسر است و از همین لحاظ هرگونه کوششی را برای محروم کردن توده ها از امکانات دفاعی و تعرضی محکوم می کنیم "خلع سلاح مردم"، خلع سلاح خلق در مقابل امپریالیسم و نوکران داخلی آن است؛ پس ما فریاد می کشیم: مرگ بر خلع سلاح کنندگان!

**مرگ بر سازشکاران و دغلكاران!**

**زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادی است!**

**مرگ بر امپریالیسم و سگ های زنجیریش!**

با ایمان به پیروزی راهمان!

چریکهای فدائی خلق ایران ۵۸/۱۲/۲۸

## خلع سلاح توده ها زیر پوشش خلع سلاح گروهها

چندی پیش، یعنی قبل از آنکه رژیم شعار "ارتش بیست میلیونی" را مطرح کند، تلویزیون جمهوری اسلامی برنامه ای از آموزش نظامی کودکان خردسال را نشان داد. کودکان ۱۰ تا ۱۲ ساله را "کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان" با استفاده از تمامی امکانات دولتی به مدت ۱۰ روز به اردوگاه میبرد و به آنها آموزش نظامی میداد.

تا اینجا قضیه ظاهراً هیچ اشکالی ندارد، ولی هنگامی که گزارشگر تلویزیونی از مسئول این برنامه درباره علت وجودی این دوره های آموزشی سؤال کرد، پاسخ مسئول برنامه روشنگر بسیاری از نکات بود، او گفت: "از آن جایی که از آن گروههای سیاسی - نظامی با ایدئولوژیهای منحرف در جامعه وجود دارند و از آن جایی که با آموزشهای نظامی میکوشند در میان مردم ما رسوخ کنند، ما این برنامه ها را ترتیب دادیم تا جذابیت مسائل نظامی را در میان نوجوانان از میان ببریم و رسوخ این گروهها و ایدئولوژیها را در میان آنها سد نمائیم" (نقل به معنی).

پاسخ بسیار صریح و روشن بود، آنقدر صریح و روشن که از سیمای جمهوری اسلامی که مرکز و اشاعه دروغ و تزویر است بعید می نمود آن را پخش کند و این از مواردی بود که قیچی سانسور نه بعلت فراموشکاری بلکه بعلت نفهمی وظیفه خود را خوب!! انجام نداده بود و درست به همین خاطر است که ما میتوانیم این فیلم را بعنوان یک مثال مناسب از موضع توده ها درباره سلاح و خلع سلاح و تفکر رژیم در این باره مورد نظر قرار دهیم.

بیانید به تحلیل کوتاه گفته های مسئول برنامه آموزش نظامی نوجوانان بپردازیم. اومیگوید: "... از آن جایی که آموزشهای نظامی در میان مردم ما جذابیت دارد ...". این سخن بیانگر چه مسئله ای است؟ این سخن نشان دهنده آنست که اولاً: مردم میهن ما شیوه اصلی مبارزه با امپریالیسم را شناخته اند و برآن تأکید دارند. این آگاهی از یکسو نتیجه سالها شکست دیگر اشکال مبارزه در مقابل دیکتاتوری محمدرضا شاهی بود و از سوی دیگر حاصل فعالیت سازمانهای انقلابی معتقد به مبارزه مسلحانه در طول ۹ سال مبارزه در شرایط خفقان بود. مردم ما از آغاز مبارزات وسیع خود تا قیام ۲۱ و ۲۲ بهمن ماه این تفکر را بوضوح نشان دادند، بکار بردن قهر در اشکال ابتدائی آن از همان آغاز حرکت توده ها به چشم میخورد. توده ها گرایش خود را چه در عمل و چه در شعارهای خود متجلی میکردند، شعارهایی چون "تنهاره رهایی جنگ مسلحانه" و یا "رهبران ما را مسلح کنید" و ... نشان دهنده چنین تفکری بود که تبلور خود را در قیام ۲۱ و ۲۲ بهمن ماه نشان داد. این آگاهی ارزان بدست نیامده بود که اکنون نیز آسان از دست برود؛ این آگاهی حاصل سالهای سال زندگی طولانی در زیر شدیدترین فشارها و اعمال قهر دیکتاتوری و مشاهده مبارزه و بقای سازمانهای سیاسی - نظامی در چنین

شرایطی بود؛ شرایطی که در آن هر شکل از مبارزه بدون توسل به قهر انقلابی، محکوم به شکست بود.

ثانیاً مردم ما در شرایط کنونی مسئله مبارزه با امپریالیسم و ایادی داخلی را نه به فراموشی سپرده اند و نه آنکه دولت کنونی را یار خود در این مبارزه می بینند، زیرا امروزه مردم ما این دولت را بعنوان یک دولت ضد امپریالیست نمی شناسند و حتی بخشی از آنان که هنوز بماهیت این دولت پی نبرده اند، حداقل این دولت را دولتی نمی دانند که توانائی مقابله با امپریالیسم را داشته باشد.

پس خلق ما هنوز مبارزه با امپریالیسم را در پیش روی خود می بیند و می داند مبارزه تعیین کننده ای که بتواند دست امپریالیسم را از میهن ما کوتاه کند، هنوز صورت نگرفته است.

حاکمیت کنونی گرایش توده ها را در بکار بردن قهر انقلابی بسیار خوب درک کرده است، یک محاسبه ساده به او امکان میداد که از مدتها پیش دریابد که توده ها چنین تفکری دارند. مجموعه سلاحهایی که در جریان قیام دلیرانه ۲۱ و ۲۲ بهمن ماه، خلق ما مصادره نمود با آمار سلاحهایی که علیرغم تمام فتواها، تهدید به اعدام ها و قوانین سخت دولت بازگردانده شد، بسیار متفاوت است و این آمار را دولت دقیقتر از همه در دست داشت، خلق سلاحهای خود را به زرادخانه ارتش بازگرداند و از بازپس دادن آنها سرباز زد. نفوذ معنوی سازمانهایی که خلق ما آنها را به عنوان سازمانهای سیاسی - نظامی می نماید، دقیقاً از همین روحیه و بینش مردم ناشی شده است و بهمین خاطر است که مسئول آموزش نظامی نوجوانان می گوید: "... در نتیجه این گروهها می توانند در میان مردم ما رسوخ کنند..." و این درست همان نکته ای است که پشت حاکمیت را می لرزاند.

در رو یارویی با این مسائل است که حاکمیت برای خلع سلاح توده ها به تکاپو افتاده است. حاکمیت ابتدا شعار ارتش ۲۰ میلیونی را مطرح نمود. شعار ارتش ۲۰ میلیونی ضرب المثل "سنگ بزرگ علامت نزدن است" را تداعی میکند، حاکمیت این بار نیز به حيله ای که در مسئله شوراها بکار برد متوسل شد. در آن زمان توده ها همگی خواستار تشکیل شوراهای خلقی بودند؛ مردم می خواستند در حاکمیت سیاسی شرکت کنند و شوراها را وسیله مناسبی برای اینکار تشخیص دادند، ابتدا حاکمیت سرسختانه در مقابل شوراها ایستادگی کرد، اما هنگامیکه با خواست وسیع توده ها مواجه شد، برای مقابله با توده ها به شیوه "ظریف" تری متوسل شد، خود را موافق آن نشان داد و سپس شوراها را به آن چنان شیر بی یال و دم و اشکم تبدیل کرد که توده ها از آن روی برگردانند، اکنون نیز طرح ارتش ۲۰ میلیونی دقیقاً همین هدف را دنبال میکند.

توده ها خواستار آنند که مسلح باشند، و آموزش نظامی ببینند، دولت میگوید میخواهید آموزش نظامی ببینید؟ می خواهید مسلح باشید؟ بسیار خوب من شما را به خواسته هایتان میرسانم، آنگاه جلو می افتد و توده ها را به کجراه می کشاند، اهداف آنها را تغییر میدهد و دست آخر خواسته های مردم را به چیزی پوچ تبدیل میکند. حاکمیت درست به این دلیل شعار ارتش ۲۰ میلیونی را مطرح کرده است



که میداند چنین ارتشی تشکیل نخواهد شد و همه چیز در حد تبلیغات پرسر و صدا باقی خواهد ماند و بدین ترتیب میخواید تا توده ها را ببازی بگیرد و گروههای سیاسی را هم که بدنبال رژیم راه افتاده و برای ارتش ۲۰ میلیونی او به به و چه چه میکنند و کف میزنند، نیز در فریب توده ها شرکت می کنند.

در کنار این عوام فریبی اکنون دولت به رهبری آقای رئیس جمهور شعار خلع سلاح توده ها را تحت پوشش خلع سلاح گروههای سیاسی دنبال میکند. اگر دولت شعار ارتش ۲۰ میلیونی را تنها به عنوان یک شعار توخالی مطرح میکند، اما در مورد خلع سلاح میخواید عملاً اقدام نماید، حاکمیت نمی تواند مستقیماً شعار خلع سلاح توده ها را مطرح کند. زیرا با طرح صریح این مسئله نیت واقعی خود را بیشتر آشکار خواهد کرد. پس از زاویه خلع سلاح گروهها وارد می شود و با تبلیغات کر کننده و وسیع چنین وانمود میکند که مسئله نظم اجتماعی و امنیت مطرح است. آقای رئیس جمهور خصوصاً بارها و بارها از نظم اجتماعی و امنیت سخن گفته است بی آنکه صریحاً توضیح دهد که چگونه نظمی و چگونه امنیتی را طلب میکند. البته سخنان او با بازاریان تهران، روشنگر تفکرات ریاست جمهور در مورد نظم و امنیت است، او بازاریان را از طغیان مردم می ترساند و بی نظمی را در مبارزات توده هامی ببیند، همه میدانند که در دوره محمد رضا شاه خائن نیز هم نظم وجود داشت و هم امنیت، نظم و امنیتی که شاید آقای رئیس جمهور و شورای انقلاب بدان غبطه بخورند، اما این نظم و امنیت برای که بود؟ برای عده ای سرمایه دار نوکر امپریالیسم و گردن کلفت های درباری درست همین نظم و امنیت برای سرمایه های امپریالیستی و صاحبان این سرمایه ها، عین بی نظمی و عدم وجود امنیت برای توده ها بود. حکومت هر زحمتکش را که می خواست می گرفت و می بست و میزد و می کشت. تا آن جا که می توانست زحمتکشان را استثمار میکرد و هیچکس هم نمی توانست به حکومت محمد رضا شاهی بگوید که بالای چشمت ابروست، چرا که نظم وجود داشت، نظمی که ساواک، ارتش، شهربانی و ... همه حافظ آن بودند و بدین ترتیب دیدیم که این نظم جهنمی چگونه توده ها را تحت فشار قرار داده بود و چگونه امنیت برای سرمایه های امریکائی، آلمانی، فرانسوی و ژاپنی عین عدم امنیت برای مردم زحمتکش میهنمان بود، این نظم و امنیت همان چیزی بود که مردم علیه آن بپا خاستند و آن را برهم ریختند. نظمی که به کار سرمایه داران وابسته بیاید، ذره ای برای خلق ما ارزش ندارد و امنیتی که امنیت بالائی ها باشد، دشمن پائینی هاست. خلق تنها آن نظمی را واقعاً می پذیرد که حاصل اعمال حاکمیت خود اوست و امنیتی که حافظ منافع او در برابر امپریالیست است.

حکومت کوشش میکند با همین شعار نظم و امنیت، خود را سخنگوی ملت قلمداد کند و اهداف ضد مردمی خود را در لفافه ای از فریب و نیرنگ بپوشاند.

باید از خود پرسید، وجود سلاح در دست مردم چه نیروهائی را به وحشت می اندازد و بضرر چه کسانی است؟ وجود سلاح در دست مردم، کسانی را به وحشت می اندازد که میخوایند با توسل به شیوه قهر ضدانقلابی مبارزات خلق را سرکوب

نمایند و از آن جائیکه مسلح بودن خلق چنین شیوه عملکردی را ناتوان خواهد ساخت و این حربه قدیمی دولتهای وابسته به امپریالیسم را کند خواهدکرد، این چنین از خلق مسلح می هراسند و وحشت دارند.

در شرایط جامعه ما تنها یک خلق مسلح قادر است که از دستآورد مبارزه خود دفاع کند، قادر است سازمانهای خلقی خود (از سندیکا و شورا گرفته تا گروههای سیاسی) را پا برجا نگهدارد، زیرا که زور مسلح ضد خلق را با زور مسلح توده ای پاسخ خواهد داد، نمونه روشن آن مبارزه خلق دلیرکرداست، خلق کرد نه تنها قادر شد که دستآوردهای مبارزات خود را حفظ کند، بلکه با پاسداری خود امکان سرکوب وسیع و گسترده ای را که رژیم برای سراسر ایران طرح ریزی کرده بود، موقتاً خنثی کرد.

این طبیعی است که در شرایطی که باندهای سپاه مسلح در گوشه و کنار کشورمان سازمان یافته اند. در شرایطی که منظور از ارتش ۲۰ میلیونی چیزی جز تقویت "سپاه پاسداران" که رو در روی مردم ایستاده است نیست، در شرایطی که ارتش امپریالیستی بسرعت بازسازی می شود، دولت فکر خلع سلاح توده ها باشد. تمامی این ارگانهای سرکوب زمانی می توانند بر خلق مؤثر واقع شوند که خلق ما یارای مقابله با آن را نداشته باشد و در برابر آن سر تعظیم فرود آورد.

آقای رئیس جمهور قبل از آنکه رئیس جمهور شود، همواره در تئوریهای خود بر علیه تئوری "زورمندی" تبلیغ می نمود، غرض از این شعار ظاهراً آن بود که ایشان با اعمال زور برای حل مسائل اجتماعی "از هر طرف" که باشد مخالفند، ولی از زمانی که ایشان در پیشاپیش ماشین دولتی قرار گرفت، آشکار شد که مخالفتش با تئوری "زورمندی" چیست، معلوم شد که ایشان چندان هم از اعمال زور بدشان نمی آید و حاضرند در شرایط مقتضی با "قاطعیت!!" و "خانه به خانه" نیروهای خلقی را سرکوب کنند. معلوم شد که زور چندان هم بد نیست!! بشرط آنکه فقط آقای رئیس جمهور و ماشین دولتی آن را برای بازسازی و حفظ نظم گذشته بکار گیرند. اما از آن جایی که آقای رئیس جمهور معتقد است که "باید واقعیات را با مردم در میان گذاشت!!" و اکنون نیز مبلغ خلع سلاح گروهها از طریق رفراندوم شده است، خوب بود که نیت واقعی خود را آشکار میکرد و به جای طرح مسئله خلع سلاح گروهها هدف واقعی خود، یعنی خلع سلاح توده ها را به رفراندوم می گذاشت. اما آقای رئیس جمهور میدانند که پاسخ توده ها چه خواهد بود. حکومت قطعاً بیاد دارد که قبل از دولت فعلی، یعنی در زمان نخست وزیران بازرگان (اکنون که کوس رسوائیش بر سر هرکوی و برزنی نواخته شد، گرچه آقای رئیس جمهور ایشان را هنوز چهره محبوب ملت می داند) شورای انقلاب و دولت کوشیدند که مردم را خلع سلاح کنند، از طریق رادیو-تلویزیون و مطبوعات مردم را تهدید کردند، فتوا صادر کردند که باید سلاحهای خود را به دولت تحویل دهند، اما پاسخ مردم بدانها روشن بود، پاسخ مردم حرکت عملی آنها بود، مردم به خلع سلاح تن در ندادند و همه تبلیغات و تهدیدات بی اثر ماند، رئیس جمهور زرنکتر از آنست که آن چه را که یکبار تجربه شده است بار دیگر بهمان شیوه بیازماید.

مردم ما به ضرورت مسلح بودن آگاه شده اند و بر آن پای می فشارند، آنها میدانند که در شرایط کنونی جهان، خلقهای مسلح همواره امپریالیستها و دولتهای دست نشانده آنها را به نابودی می کشانند و منجر به ایجاد و تقویت دولتهای خلقی میگردند. اگر دولتی انقلابی باشد، خلق را مسلح میکند تا بتواند با تکیه بر نیروی خلق در مقابل امپریالیسم ایستادگی و مقاومت کند.

اکنون دولت وابسته و نیروهای سیاسی فرصت طلب دست در دست هم داده اند تا خلق ما را خلع سلاح کنند، اما تجربیات مبارزات خلق ما در طول سالهای دراز دیکتاتوری بسیار گویاتر از آنست که اینان در اهداف خود موفق شوند.

نقل از: "خبرنامه" شماره ۱۶ ( ۱۳۵۸/۱۲/۲۱ )، چریکهای فدائی خلق ایران - مازندران.

**موعظه خلع سلاح توده ها همان موعظه گل در مقابل گلوله است.**

**توده ها باید مسلح باشند تا گلوله را با گلوله پاسخ گویند!**

چریکهای فدائی خلق ایران ۵۸/۱۲/۲۳  
تراکت ۲۲

**عقب نشینی حکام وقت از کردستان بخاطر سلاحهای موجود در دست مردم است.**

**فقط یک خلق مسلح از یورش و کامیابی ارتجاع در امان است.**

چریکهای فدائی خلق ایران ۵۸/۱۲/۲۳

**حکام وقت، ارتش ضدخلفی را مجهز میکنند و مانع از  
مسلم شدن خلق میگردند،**

**ولی چریکهای فدائی خلق میگویند:**

**پیش بسوی**

**سازماندهی مسلح توده ها!**

چریکهای فدائی خلق ایران ۵۸/۱۲/۲۳

**مردم ما ننگ ۱۷ شهریور را فراموش نکرده اند؛**

**در مقابل ارتش ضدخلفی باید مسلح بود و ارتش  
خلق تشکیل داد!**

چریکهای فدائی خلق ایران ۵۸/۱۲/۲۳

## با خلع سلاح توده ها:

جنایت هائی نظیر کشتار فجیع رهبران خلق ترکمن گسترش خواهد یافت؛

یورش مجدد به خلق کرد و دیگر خلقهای ایران به وحشیانه ترین شکل انجام خواهد گرفت؛

شرایط خفقان و ترور در ابعادی وسیع بوجود خواهد آمد؛

## پس مرگ بر خلع سلاح کنندگان!

چریکهای فدائی خلق ایران ۲/۲۳ ۵۸/۱  
تراکت ۲۶

## چه کسانی از مسلح بودن مردم میترسند؟

آنهائی که از قدرت مردم واهمه دارند؛

آنهائی که به مردم اعتقادی ندارند!

چریکهای فدائی خلق ایران ۲/۲۳ ۵۸/۱

تراکت ۲۷

**بنی صدر میگوید:**

توده ها نباید مسلح باشند (خلع سلاح)!

**ما میگوئیم:**

تنها یک خلق مسلح است که شایسته آزاد  
زیستن است!

چریکهای فدائی خلق ایران ۲۳/۱۲/۵۸

تراکت ۲۸

نوکران امپریالیسم زمره خلع سلاح مردم را  
سرداده اند؛

چریکهای فدائی خلق میگویند:

**مردم هر چه بیشتر باید مسلح شوند!**

چریکهای فدائی خلق ایران ۲۳/۱۲/۵۸

تراکت ۲۹

هیئت حاکمه از یک طرف برای فریب توده ها دم  
از ارتش بیست میلیونی میزند و از طرف دیگر  
برای خلع سلاح مردم خود را آماده میکند؛

**چریکهای فدائی خلق می گویند:**

**توده ها باید مسلح باشند تا ارتش خلقی خود  
را بسازند!**

چریکهای فدائی خلق ایران ۲/۲۳ ۵۸/۱

تراکت ۳۰

**چریکهای فدائی خلق میگویند:**

**برای درهم کوبیدن زرادخانه امپریالیسم و  
ارتجاع داخلی باید خلق را هرچه بیشتر مسلح  
کنیم،**

**ولی بنی صدر مهمترین مسئله ایران را خلع  
سلاح مردم میدانند.**

**آیا خلع سلاح به نفع چه کسی جز آمریکاست؟  
پس چه کسی آمریکائی است؟**

چریکهای فدائی خلق ایران ۵۸/۱۲/۲۳  
تراکت ۳۱

# خلع سلاح مردم یعنی ایجاد امنیت برای غارت خلقهایمان بوسیله آمریکا!

چریکهای فدائی خلق ایران ۵۸/۱۲/۲۳  
تراکت ۳۲

سیاست خلع سلاح هیئت حاکمه را قبول کنیم یا  
ارتش بیست میلیونی اش را؟!!

چریکهای فدائی خلق میگویند:

# هیچکدام را! و باید هرچه بیشتر مسلح شویم!

چریکهای فدائی خلق ایران ۵۸/۱۲/۲۳



خلع سلاح بمعنای هدر دادن آرمان ۷۰ هزار  
شهید و دهها هزار مجروح است؛

پس

**مرگ بر خلع سلاح کنندگان!**

چریکهای فدائی خلق ایران ۵۸/۱۲/۲۳

بنی صدر از رسیدن طوفان (انقلاب توده ها)  
به خود میلرزد؛ از اینرو می خواهد توده ها  
را خلع سلاح کند.

چریکهای فدائی خلق ایران ۵۸/۱۲/۲۳